

قید جمله و قید فعل در زبان فارسی

محمد

راسخ‌مهند

دانشگاه بوعلی‌سینا،

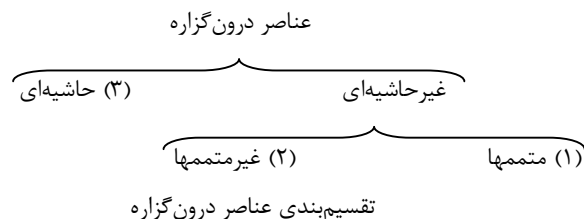
همدان

قید یکی از قدیمترین اجزای کلام در تقسیم‌بندی کلمات است. بسیاری از دستورنویسان آن را کلمه‌ای تعریف کرده‌اند که «مفهوم فعل یا صفت یا کلمه‌ای دیگر را به چیزی از قبیل زمان، مکان، حالت و چگونگی مقید می‌سازد» (قریب و دیگران ۱۳۶۸: ۱۸۹). در این مقاله کوشیده‌ایم تقسیم‌بندی جدیدی از مقوله قید، برحسب اینکه آیا فعل یا جمله را مقید می‌سازد، به دست دهیم. برای این منظور، ابتدا به دیدگاه متیوز (۱۹۸۱) درباره تقسیم‌بندی عناصر درون جمله اشاره خواهیم کرد و با استفاده از الگوی وی برای تمایز قید فعل و قید جمله در فارسی بعضی ملاکهای معنایی و نحوی را معرفی خواهیم کرد.

۱ الگوی متیوز از عناصر درون جمله

اگر جمله را به‌طور سنتی به نهاد و گزاره تقسیم کنیم، گزاره می‌تواند علاوه بر فعل عناصر دیگری نیز در خود داشته باشد. از میان این عناصر، برخی اسم یا گروه اسمی هستند که فعل بود و نبود آنها را تعیین می‌کند و در شمار موضوع (arguments)های فعل هستند (مانند مفعول صریح و مفعول غیرصریح)، اما برخی عناصر دیگر نیز هستند که اسم یا گروهی نیستند و فعل نیز وجود آنها را تعیین نمی‌کند. این عناصر فعل یا کل

جمله را مقید می‌سازند و قید یا گروه قیدی هستند (میتوز ۱۹۸۱: ۱۲۱). میتوز، با بررسی جملات مختلف، الگوی (۱) را برای تقسیم‌بندی عناصر درون گزاره پیشنهاد می‌کند (همان: ۱۴۰).



بر طبق این تقسیم‌بندی، عناصر غیرحاشیه‌ای که وجود آنها در جمله لازم است، شامل متممها و غیرمتممها هستند، درحالی که برخی دیگر عناصر حاشیه‌ای هستند، یعنی نبود آنها جمله را غیردستوری نمی‌سازد و یا تأثیر قابل ملاحظه‌ای در معنای جمله ندارد. برای ملموس‌تر شدن این الگو، جمله (۲) را در نظر بگیرید.

(۲) دیروز احمد کتاب را یواشکی برداشت.

در این جمله «کتاب» مفعول صریح است که طبق تقسیم‌بندی مذکور در طبقه (۱)، یعنی طبقه متممها قرار می‌گیرد. قید «یواشکی» نیز از عناصر غیرحاشیه‌ای است، زیرا نبود آن در جمله باعث ایجاد تمایز معنایی قابل ملاحظه‌ای می‌شود. یعنی بین «کتاب را برداشت» و «کتاب را یواشکی برداشت» تفاوت معنایی مشخصی وجود دارد. «یواشکی برداشتن» می‌تواند در معنی «دزدیدن» به کار رود. پس باید «یواشکی» را در طبقه (۲) قرار داد، که گرچه متمم نیست عنصری حاشیه‌ای نیز نیست. و قید «دیروز» را باید در ردیف عناصر حاشیه‌ای آورد که رابطه (۳) را با بقیه عناصر جمله دارد.

بر طبق این الگو می‌توان «یواشکی» را قید فعل دانست، چون مستقیماً در معنای فعل دخالت می‌کند، اما «دیروز» را باید قید جمله به حساب آورد، چون به کل جمله مربوط می‌شود. پس با این تعاریف، هرگاه قید دارای رابطه (۲) باشد قید فعل و هرگاه دارای رابطه (۳) باشد قید جمله است. در دو بخش بعد برای تمایز این دو نوع قید به بررسی ملاکهای معنایی و ملاکهای نحوی می‌پردازیم.

۲ ملاکهای معنایی

قید جمله و قید فعل در زبان فارسی

جملات زیر را در نظر بگیرید:

(۳) خوشبختانه همه کتاب را خواندم.

(۴) سنگ پشت آهسته راه می‌رود.

(۵) دیروز نامه‌ات را کلمه به کلمه خواندم.

در جملات فوق «خوشبختانه، آهسته، دیروز و کلمه به کلمه» قید هستند. باید توجه داشت که رابطه این کلمات با فعل از نوع رابطه (۱)، یعنی رابطه متممی نیست. برای مثال «خوشبختانه» قید است و متمم نیست، چون (الف) فعل خواندن نیاز به دو موضوع دارد که یکی فاعل (شناسه) و دیگری مفعول صریح (کتاب) است؛ (ب) بین فعل و مفعول در این جمله محدودیت هم‌آیی وجود دارد (به همین علت گل را خواندم جمله‌ای عجیب است)، اما بین قید «خوشبختانه» و فعل محدودیت هم‌آیی دیده نمی‌شود (خوشبختانه/ دیروز/ به سستی همه کتاب را خواندم)؛ (ج) حذف مفعول در این جمله فقط در بافت امکان‌پذیر است و مفعول محذوف باید از بافت قابل درک باشد، ولی قید «خوشبختانه» را به سادگی می‌توان حذف کرد و از بافت هم قابل حدس نیست؛ (د) می‌توان به این جمله قیده‌ای دیگری افزود و جمله باز هم دستوری باقی خواهد ماند، اما اضافه کردن هر مفعول صریح دیگری باعث غیردستوری شدن جمله می‌شود. پس مجموعه استدلال‌های فوق ما را به این نکته می‌رساند که «خوشبختانه» در جمله (۳) قید است و متمم نیست. از همین استدلال‌ها می‌توان بهره گرفت و نشان داد که در جملات (۴ و ۵) نیز «آهسته، دیروز، و کلمه به کلمه» قید هستند.

اما نکته مورد نظر بحث ما به تمایز بین دو نوع قید، یعنی قید جمله که کل جمله را مقید می‌کند و قید فعل که فعل را مقید می‌کند، برمی‌گردد. قیده‌ای «خوشبختانه و دیروز» قید جمله به حساب می‌آیند، در حالی که «آهسته و کلمه به کلمه» قید فعل هستند. برخی ملاک‌های معنایی که می‌تواند این تمایز را نشان دهد از این قرارند:

نخست اینکه دو گزاره «خواندن» و «کلمه به کلمه خواندن» به لحاظ معنایی با هم متفاوت هستند؛ گزاره دوم نوعی خواندن است. همین‌طور بین «رفتن» و «آهسته رفتن» نیز می‌توان تمایز معنایی نهاد و «آهسته رفتن» را نوعی رفتن دانست، اما نمی‌توان گفت که «خوشبختانه خواندن» و «دیروز خواندن» نیز نوعی خواندن هستند. پس قیده‌ای گروه دوم گزاره‌ای با معنای متفاوت ایجاد نمی‌کنند.

معیار دوم این است که «آهسته رفتن» و «کلمه به کلمه» دارای مصداق خاصی هستند، در حالی که «خوشبختانه خواندن» و «دیروز خواندن» دارای مصداقی در جهان خارج نیستند. به همین خاطر برای گزاره‌های گروه اول می‌توان گزاره‌های متضادی مانند «تند رفتن» یا «بی‌وقت خواندن» را در نظر گرفت، اما برای گزاره‌های گروه دوم نمی‌توان «متأسفانه خواندن» یا «فردا خواندن» یا «فردا خواندن» را به عنوان گزاره‌های متضاد نقل کرد. در واقع «خوشبختانه خواندن» و «دیروز خواندن» اصلاً ترکیبات قابل قبولی نیستند، زیرا قیدهایی به کار رفته افعال را مقید نمی‌کنند، اما «آهسته رفتن» و «کلمه به کلمه خواندن» را قابل قبول می‌دانیم و می‌توانیم به کار ببریم، چون قیدهایی به کار رفته افعال را مقید می‌کنند.

ملاک دیگر معنایی این است که قیدهایی جمله (خوشبختانه و دیروز) می‌توانند در اکثر جملات و با فعلهای مختلف ظاهر شوند، یعنی بین آنها و افعال رابطه یک به یک وجود ندارد تا محدودیتی در کاربرد آنها ایجاد کند (جملات ۶)، در حالی که قیدهایی فعل (آهسته و کلمه به کلمه) را نمی‌توان مانند قیدهایی جمله در هر جمله‌ای به کار برد و با هر فعلی همراه آورد. به عبارت دیگر بین معنای آنها و معنای فعل جمله رابطه وجود دارد و باعث محدودیت در کاربرد این قیدها می‌شود (جملات ۷).

(۶) الف خوشبختانه دیروز آریا آرش را زد.

ب خوشبختانه آریا دیروز قصه را گفت.

ج خوشبختانه آریا دیروز آرش را دید.

(۷) الف آریا آرش را؟ آهسته/؟ کلمه به کلمه زد.

ب آریا دیروز قصه را آهسته/ کلمه به کلمه گفت.

ج آریا آرش را؟ آهسته/؟ کلمه به کلمه ملاقات کرد.

(علامت سؤال نشان می‌دهد جمله به لحاظ معنایی قابل قبول نیست).

مجموعه استدلالهای معنایی فوق نشان می‌دهد که می‌توان بین قید فعل که گروه فعلی را مقید می‌کند و قید جمله را مقید می‌کند تفاوت نهاد. برخی استدلالهای نحوی نیز این موضوع را تأیید می‌کند که در بخش بعد به آنها اشاره می‌شود.

قید جمله و قید فعل در زبان فارسی

برای تمایز قید جمله ملاکهای نحوی نیز وجود دارد. ملاک اول را می‌توان در ساخت همپایه جستجو کرد. به این ترتیب که می‌توان دو قید فعل را در ساخت همپایه قرار داد (جملات ۸)، اما نمی‌توان قید فعل را با قید جمله در این ساخت قرار داد (۸ ب)، این معیار نشان می‌دهد که این دو نوع قید دارای ویژگیهای متفاوتی هستند و به همین خاطر نمی‌توان آنها را در ساختی همپایه قرار داد:

(۸) الف من کتاب را آهسته و کلمه‌به‌کلمه خواندم.

ب ؟ من کتاب را خوشبختانه و کلمه‌به‌کلمه خواندم.

ملاک نحوی دیگر مربوط به استفاده از ترکیب قید فعل + مصدر به جای اسم می‌شود می‌دانیم که اگر «تصادف کردن» را مصدر فعل مرکب در نظر بگیریم، می‌توانیم آن را به صورت اسم به کار ببریم (جمله ۹) (البته در مورد افعال ساده نیز چنین است). به همین ترتیب می‌توان ترکیب قید فعل + مصدر را به جای اسم به کار ببریم. مثلاً «آهسته رفتن» و «کلمه‌به‌کلمه» خواندن را در (۱۰) به جای اسم به کار برده‌ایم. اما نمی‌توان ترکیب قید جمله + مصدر را به جای اسم به کار برد (۱۱).

(۹) تصادف کردن احمد ما را ناراحت کرد.

(۱۰) الف آهسته رفتن در بزرگراه خوب نیست.

ب کلمه‌به‌کلمه خواندن این نامه را توصیه می‌کنم.

(۱۱) الف *خوشبختانه خواندن کتاب خوب است.

ب *دیروز رفتن در بزرگراه خوب نیست.

معیار آخر مربوط به آزادی جابه‌جایی قید در جمله است. به این ترتیب که قید جمله می‌تواند در جایگاه‌های مختلف درون جمله ظاهر شود (۱۱)، و محدودیت چندانی در محل حضور آن وجود ندارد.

(۱۱) الف همه کتاب را خوشبختانه خواندم.

ب همه کتاب را خواندم خوشبختانه

ج خوشبختانه همه کتاب را خواندم.

اما در مورد جایگاه قید فعل محدودیت بیشتری وجود دارد. در واقع این گونه قیده‌ها نسبت به قید جمله از امکان جابه‌جایی کمتری برخوردار هستند. برای مثال به جایگاه قید فعل «مردانه» در جملات (۱۲) توجه کنید.

مجله زبانشناسی

(۱۲) الف در طی جنگ رزمندگان مردانه جنگیدند.

ب ؟ در طی جنگ مردانه رزمندگان جنگیدند.

ج ؟؟ مردانه در طی جنگ رزمندگان جنگیدند.

جملات (۱۲) نشان می‌دهد که هر قدر قید فعل به فعل نزدیک‌تر باشد، جمله قابل قبول‌تری حاصل می‌شود، ولی هر قدر فاصله آنها دورتر باشد باعث نامقبول‌تر شدن جمله می‌شود. البته این بحث نیازمند پژوهش بیشتر است، اما به نظر می‌رسد می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که قیدهای جمله را می‌توان به سادگی در جمله جابه‌جا کرد، اما این آزادی عمل برای قیدهای فعل وجود ندارد و جایگاه بی‌نشان آنها نزدیک فعل است.

۴ نتیجه‌گیری

با جمع‌بندی نکات مطرح‌شده می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که طبق الگوی متیوز از عناصر درون جمله (۱)، قیدهای فعل در جملات فارسی در گروه دوم این تقسیم‌بندی قرار می‌گیرند، یعنی آنها بخشی از عناصر غیر حاشیه‌ای هستند که وجود آنها در جمله لازم است و با فعل رابطه دارند، هر چند رابطه آنها از نوع رابطه متممی نیست، اما قیدهای جمله را باید در گروه سوم این تقسیم‌بندی قرار داد که به عناصر حاشیه‌ای اختصاص دارد و آنها با فعل رابطه ندارند بلکه با کل جمله در ارتباط هستند.

کتابنامه

خیامپور، عبدالرسول، ۱۳۷۵، دستور زبان فارسی، چاپ دهم، تبریز، انتشارات کتابفروشی تهران.

قریب، عبدالعظیم و دیگران، ۱۳۶۸، دستور زبان فارسی، تهران، انتشارات اشراقی.

ناتل خانلری، پرویز، ۱۳۶۶، دستور زبان فارسی، چاپ هشتم، تهران، توس.

Halliday, M.A.K., 1994, *An introduction to functional grammar*, Second edition, Edward Arnold.

Mathews, P.H., 1981, *Syntax*, Cambridge, Cambridge University Press.